

---

# فلسفه کانت

## بیداری از خواب دگماتیسم

### بر زمینه سیر فلسفه دوران نو

---

نوشته

دکتر میر عبدالحسین نقیب زاده



## فهرست

۵  
۲۳

دیباچه  
یشگفتار

### بخش نخست. زمینه کار کانت

- ۱- فرانسیس بیکن - الف: زندگانی (ص ۳۱). ب: نوشته های بیکن (ص ۳۳). ج: اندیشه بیکن (ص ۳۵).
- ۲- دکارت - الف: زندگانی (ص ۳۹). ب: نوشته های دکارت (ص ۴۶). ج: فلسفه دکارت (ص ۴۷).
- ۳- اسپینوزا
- ۴- لایبنیتس
- ۵- جان لاک
- ۶- برکلی
- ۷- دیوید هیوم
- ۸- جنبش روشنگری فرانسه
- ۹- ولتر
- ۱۰- ژان ژاک روسو

### بخش دوم - کانت

- ۱- کانت - زندگانی (ص ۱۳۹). ۲- نوشته ها (ص ۱۴۶). ۳- فلسفه نقد تحقیقی: (نقد خرد ناب) (ص ۱۵۴). بخش های نقد خرد ناب (ص ۱۷۴). استتیک فرارونده (ص ۱۷۵). منطق فرارونده (ص ۱۸۸). آنالیتیک فرارونده (ص ۱۹۵). آنالیتیک اصلها (ص ۲۲۱). دیالکتیک فرارونده (ص ۲۵۰). روش شناسی (ص ۲۸۹). بنیادگذاری متافیزیک



اخلاق ۱۷۸۵ (ص ۲۹۸). نقد خرد عملی ۱۷۸۸ (ص ۳۱۱). نقد نیروی  
قضاوت (ص ۳۴۱). دیالکتیک نیروی قضاوت (ص ۳۷۳).

بخش سوم - نگاهی به پیدایش دگر باره دگماتیسم

۳۹۱	۱- ایده آلیسم آلمانی
۳۹۵	هگل
۴۲۲	۲- ماتریالیسم دیالکتیک
۴۵۵	۳- دگماتیسم و فلسفه، بازنگری معنای فلسفه
۴۷۵	فهرست مفهومیها
۴۸۵	فهرست نامها

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

## دیباچه

سخنی درباره فلسفه، طرح این کتاب، و زبان فلسفه

فلسفه که برخاسته از ژرفای هستی انسان یعنی نتیجه رو کردن به ذات و معنا و حقیقت چیزها و کارهاست، برترین نمود اندیشه است. و از آنجا که اندیشه در گسترده‌ترین معنی، برترین نمود جان انسانی است تا بدانجا که ارج آدمی در گرو آنست؛ می‌توان گفت فلسفه که همان رو کردن به فهم و شناسایی است، همانا نمود تکامل معنوی انسان است. رو کردن به شناسایی که در یک معنی و از یک نظر، کاری است برخلاف طبیعت یعنی برخلاف مقتضیات زیستی و سرشتی، و از اینرو مستلزم رهایی از آن شرایط؛ در معنایی دیگر کاری است طبیعی. زیرا اندیشه آدمی جنبه‌ای از طبیعت او، و یا دقیق‌تر، طبیعت حقیقی اوست. در این معنی، چنانکه جلال‌الدین مولوی گفته است، انسان همان اندیشه است. بدینسان، پرداختن آدمی به اندیشیدن و پیگیری آن تا حد پرسش‌های بنیادی یعنی رو کردن به فلسفه، کاری است که نه از تفنن، بلکه از طبیعت و نهاد او سرچشمه می‌گیرد. این رو کردن حالتی است که هم می‌تواند در برترین و سرشارترین لحظه‌های زندگی دست دهد و هم در دشوارترین و تلخ‌ترین آنها یعنی در همه لحظه‌هایی که رهایی از اسارت طبیعت و زنجیر عادت ممکن می‌گردد، در همه لحظه‌های مرگ و زندگی و یا به گفته یاسپرس، حالت‌های سامانی.

با نظر داشتن به این معنی، می‌توانیم بگوییم جهان انسان، جهان اندیشه